

توصیه‌های
پدر ثروتمند، پدر فقیر

۲

ربع دایره گردش وجوه نقدی



رابرت تی. کیوساکی / شارون ال. لچتر

برگردان اشرف عدیلی

نشر البرز

تهران - ۱۳۸۵

این کتاب برگردانی است از:

RICH DAD, POOR DAD - 2

The Cashflow Quadrant

by

Robert T. Kiyosaki / Sharon L. Lechter C.P.A.

Warner Books Inc, 2000

Kiyosaki, Robert T.

کیوساکی، رابرت، ۱۹۴۷ -

توصیه‌های پدر ثروتمند، پدر فقیر ۲ / رابرت تی. کیوساکی، شارون لچتر: برگردان اشرف عدیلی. -- تهران: البرز، ۱۳۸۴.

۴۴۸ ص.: جدول، نمودار.

ISBN 964 - 442 - 463 - 8

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Rich dad, Poor dad 2 : cashflow quadrant employee, self employed, ... عنوان اصلی: --

۱. امور مالی شخصی. ۲. سرمایه‌گذاری. ۳. ثروتمندان. الف. لچتر، شارون، Lechter, Sharon L.

ب. عدیلی، اشرف، ۱۳۲۸ - مترجم. ج. عنوان. د. عنوان: پدر ثروتمند پدر فقیر.

۴ پ ۹ ک / HG۱۷۹

۳۳۲

/۰۲۴

۱۳۸۴

م ۸۴ - ۲۲۲۶۸

کتابخانه ملی ایران

❖ حروفچینی و نوآوری‌های رایانه‌ای: شبستری

❖ ویراستار: اصغر اندرودی

❖ شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

❖ چاپ اول: بهار ۱۳۸۵

❖ چاپ: چاپخانه سهند

❖ لیتوگرافی: لیتوگرافی صحیفه نور

❖ حق چاپ برای نشر البرز محفوظ است.

❖ نشر البرز: خیابان دکتر بهشتی، بین چهارراه اندیشه و سهروردی. ساختمان شماره ۶۴، تلفن و نمابر:

۸۸۴۱۷۴۴۴ - ۸۸۴۰۵۱۸۲

❖ فروشگاه مرکزی: شهرک قدس (غرب)، مرکز تجاری میلاد نور تلفن: ۸۸۰۸۵۵۰۳ - ۸۸۰۸۵۵۰۴

❖ مرکز توزیع: بخش البرز - خیابان دکتر بهشتی - خیابان اندیشه - اندیشه دوم (خیابان قدس) شماره ۳۷ -

تلفن: ۸۸۴۵۵۶۰۹ - ۸۸۴۵۲۷۴۹

❖ ALBORZ_PUBLICATION@YAHOO.COM

ISBN 964 - 442 - 463 - 8

❖ شابک: ۸ - ۴۶۳ - ۴۴۲ - ۹۶۴

با تشکر از عزیزانم:

شهریار و سپیده که مشتاقانه مشوق من در امر ترجمه بوده‌اند، امیرحسین عزیز راه دورم که چنین ارمغان نفیسی را برایم فرستاده است، دوست ارجمندی که در ترجمه لغات اقتصادی مرا یاری داده است، و سهیلا بروجردی دوست نازنینم که در پاکنویس و بازخوانی کتاب صمیمانه یاورم بوده است، ترجمه این کتاب را به همراه دلسوز زندگیم، دکتر محمدعلی رئیسی، پیشکش می‌کنم.

تهران - اشرف عدیلی

بهار ۸۴

فهرست

مقدمه ۵

بخش اول • ربع دایره گردش وجوه نقدی

- فصل یک: / «چرا کار نمی‌کنید؟» ۱۷
- فصل دو: / ربع دایره‌های متفاوت ۳۷
- فصل سه: / چرا مردم امنیت را بیش از آزادی انتخاب می‌کنند؟ ۹۱
- فصل چهار: / سه نوع شیوه بازرگانی ۱۲۹
- فصل پنج: / ۷ سطح سرمایه‌گذاران ۱۵۱
- فصل شش: / پول را نمی‌توانید با چشم‌هایتان ببینید ۱۸۳

بخش دوم • آشکار کردن بهترین ویژگی‌های درونی

- فصل هفت: / آن کسی شوید که هستید ۲۲۹
- فصل هشت: / من چگونه ثروتمند شوم ۲۵۳
- فصل نه: / بانک باشید... نه بانکدار ۲۸۹

بخش سوم • چگونه می‌توانیم B یا I موفق شویم

- فصل ده: / مانند کودکان نوپا قدم برداریم..... ۳۳۹
- فصل یازده: / گام اول: وقت آن است که به کسب و کار..... ۳۶۱
- فصل دوازده: / گام دوم: اختیار جریان نقدی خود را داشته باشید..... ۳۶۷
- فصل سیزده: / گام سوم: تفاوت میان خطر و خطرناک را بدانید..... ۳۷۹
- فصل چهارده: / گام چهارم: تصمیم بگیرید که چه نوع ۳۸۵
- فصل پانزده: / گام پنجم: مشاور و رایزنی را پیدا کنید..... ۳۹۹
- فصل شانزده: / گام ششم: نومیدی را به قدرت خود بدل سازید ۴۱۳
- فصل هفده: / گام هفتم: قدرت اعتماد ۴۲۱
- فصل هجده: / خلاصه..... ۴۳۱

درباره نویسنده

رابرت تی. کیوساکی در هاوایی متولد و بزرگ شده است. او معلم مدرسه میلیونر شدن و مؤسس شرکت معظم آموزشی بین‌المللی است که در هفت کشور فعالیت دارد. او بازرگانی خودآموخته و انسانی خودساخته است که به سراسر دنیا سفر و سرمایه‌گذاری کرده است. حالا بازنشسته است و بیشتر به تفریح و سرمایه‌گذاری اشتغال دارد. او، چون همیشه نگران شکاف روزافزون میان داراها و ندارهاست، بازی جریان نقدی را ابداع کرده است تا پیش از ثروتمند شدن، قواعد بازی با پول را به همگان بیاموزد.

شارون ال. لچتر، همکار کیوساکی در نوشتن این کتاب، ازدواج کرده است و سه فرزند دارد. فارغ‌التحصیل رشته حسابداری و مشاور در امور وسایل سرگرمی و صنایع و زمینه‌های شغلی و در ضمن تاجری موفق است. او همه سعی و کوشش خود را بر ابداع ابزار آموزشی برای هر کسی که به غنی‌تر ساختن آموزه‌های امور مالی خود علاقه دارد، متمرکز کرده است.

مقدمه

در کدام ربع دایره قرار دارید؟ آیا جای درستی برای شماست؟

آیا از لحاظ مالی مستقل هستید؟ ربع دایره گردش وجوه نقد^۱ برای شما نوشته شده است. اگر چنانچه زندگی تان به دوراهی مالی رسیده است، اگر دوست دارید که امروز اختیار امور مالی خود را در دست داشته باشید و سرنوشت مالی خودتان را تغییر دهید، به شما کمک خواهد شد تا نمودار مالی خودتان را رسم کنید.

حرف هر ربع دایره معرف

و مظهري است از:

E = کارمند

S = سرمایه گذار یا کارفرما

B = تاجر و کاسب

I = سرمایه دار



هر یک از ما حداقل در یکی از چهار ربع دایره گردش وجوه نقدی قرار داریم. جایی که ما هستیم، مشخص می‌سازد که سرمایه یا پول، از کجا به دست می‌آید. اکثر ما به حقوق ماهیانه خودمان متکی هستیم. بنابراین، کارمندیم، در حالی که دیگران کارفرما هستند. کارمندان و کارفرمایان در سمت چپ این ربع دایره گردش وجوه نقد هستند. در سمت راست کاسب و سرمایه‌گذاران هستند که درآمد خود را از کسب و کار و سرمایه‌های خودشان به دست می‌آورند.

این نمودار چهار دسته از افرادی که دنیای تجارت را اداره می‌کنند معرفی می‌کند و نشان می‌دهد که چه موردی هر گروه از آنان را در این نمودار «واحد» می‌سازد. این نمودار به شما همچنین کمک خواهد کرد مشخص سازید که حالا در کدام بخش این نمودار قرار دارید و یاری‌تان خواهد داد تا نمودار روش مالی خودتان را در آینده رسم کنید و مسیر آزادی را در جهت امور مالی خود پیمایید. زمانی که استقلال مالی را بتوان در هر چهار بخش تشخیص داد، مهارت‌های افراد نوع B یا I به شما کمک خواهد کرد تا هرچه سریع‌تر به اهداف مالی خودتان برسید. در ضمن، یک فرد موفق از نوع E، تبدیل به فردی موفق از نوع I خواهد شد.

وقتی بزرگ شدید می‌خواهید چکاره شوید؟

این کتاب، در برخی از روشها، ادامه همان کتاب اول من به نام «توصیه‌های پدر فقیر، پدر پولدار» است. بعضی از شماها که احتمالاً آن کتاب را مطالعه نکرده‌اید، باید بدانید که من در مورد اختلاف

نظرهای دو پدر فقیر و پولدار خودم نوشته بودم که هر دو نفرشان آموزشهایی در مورد مسائل مالی، پول و گزینشهای زندگی به من داده بودند.

یکی از آنان پدر واقعی من بود و دیگری پدر بهترین دوستم. پدر من تحصیلات عالی داشت و دیگری دبیرستان را نیمه تمام گذاشته بود. پدر من فقیر و آن دیگری پولدار بود.

هر زمان که از من پرسیده می شد «وقتی بزرگ شدی می خواهی چکاره شوی؟» پدر تحصیلکرده، ولی فقیر من توصیه اکید می کرد که «به کالج برو، با نمره های عالی قبول شو، مدرکت را بگیر و سپس شغل تضمین شده ای را پیدا کن.»

او مسیری از زندگی را به من توصیه می کرد که شکل آن چنین بود:
از کالج به سمت شغل تضمین شده ای برو

توصیه پدر فقیر

کالج



توصیه پدر فقیرم این بود که من یا یک حقوق بگیر کلان مثل E و یا یک کارفرمای حرفه ای شوم: مثل دکتر متخصص، وکیل و یا حسابدار. او مصرانه روی یک حقوق و سود ثابت در یک شغل تضمین شده،

تأکید داشت. به همین دلیل نیز او یک کارمند عالیرتبه و رسمی دولت با حقوق کلان بود؛ رئیس آموزش عالی در ایالت هاوایی. از سوی دیگر، پدر پولدار، ولی کم‌سواد من توصیه بسیار متفاوتی می‌کرد: «به کالج برو، تحصیل کن، کسب و کار راه‌بنداز و سرمایه‌دار موفق‌تری شو.»

او مسیری از زندگی را به من توصیه می‌کرد که چنین شکلی داشت. از کالج راهی کسب و کار شو

توصیه پدر پولدار

کالج



این کتاب در مورد فرآیند ذهنی، هیجانی و آموزشی است که من مطابق توصیه پدر پولدارم آن را از سر گذرانده‌ام.

این کتاب برای چه کسی نوشته شده است

این کتاب برای کسانی نوشته شده است که برای تغییر وضعیت خود در این ربع دایره‌ها آمادگی دارند. به ویژه برای کسانی است که در حال حاضر در صف گروه‌های S و E هستند. و در صدند که زیر دست گروه

B و I باشند. مطالعه این کتاب برای کسانی است که آماده‌اند از شغل‌های تضمین‌شده خود دست بکشند و برای به دست آوردن امور مالی تضمین‌شده خود اقدام کنند. این مسیری سهل و آسان در زندگی نیست؛ لیکن پاداش پایان سفر ارزش آن را دارد. این سفری برای استقلال امور مالی است.

پدر پولدار در دوازده سالگی برای من داستان ساده‌ای را تعریف کرد که همان داستان مرا برای رسیدن به این ثروت عظیم و رهایی از مسائل مالی رهنمون شده است. این روش پدر پولدارم بود تا تفاوت میان ربع دایره‌های سمت چپ گردش وجوه نقدی، یعنی E و S را با سمت راست و ربع دایره‌های B و I بدانم. و داستان چنین بود:

روزی روزگاری دهکده کوچکی دورافتاده‌ای بود. آنجا محلی بسیار عالی برای زندگی کردن بود و فقط یک مشکل داشت. دهکده آب نداشت؛ مگر اینکه باران می‌آمد. برای حل همیشگی این مسئله، بزرگان دهکده تصمیم گرفتند قراردادی را به مورد اجرا بگذارند و آن اینکه روزها مردم از جاهای دیگر به دهکده‌شان آب بیاورند. دو نفر داوطلب قبول این وظیفه سنگین شدند و بزرگ‌ترها قرارداد را به آنان دادند. آنان احساس کردند که رقابت اندکی می‌تواند قیمت‌ها را پایین نگه دارد که پشتمان‌ای برای ذخیره کردن آب می‌شود.

إد، یکی از آن دو نفر که برنده این قرارداد شد، به سرعت از دهکده بیرون رفت و دو سطل بسیار بزرگ گالوانیزه تهیه کرد و دوان دوان به سوی دریاچه‌ای که یک و نیم کیلومتر دورتر از دهکده بود، رفت. او به سرعت شروع به پل درآوردن کرد و هر روز صبح با زحمت از رودخانه دو سطل بزرگ آب را به دهکده می‌آورد. او می‌بایستی این دو

سطل را در تانکر بزرگی که در دهکده درست شده بود، بریزد. او هر روز صبح، زودتر از اهالی دهکده از خواب بیدار می‌شد تا اطمینان یابد که آب کافی در دهکده برای نیاز اهالی موجود است. کار دشواری بود؛ ولی او بسیار خوشحال بود که می‌تواند پول درآورد و در ضمن یکی از دو نفر برگزیده جهت این کار است.

بیل که دومین برنده این قرارداد بود، برای مدتی ناپدید شد. او ماهها دیده نشد و این کار موجب خوشحالی‌اش شد؛ زیرا فعلاً رقیبی نداشت و تمام پول نصیب او می‌شد!

بیل به جای آنکه برای رقابت به‌اد دو سطل بزرگ بخرد، نقشه‌ای تجاری طرح کرده، شرکتی بزرگ بنیان گذاشته و چهار نفر سرمایه‌گذار پیدا کرده و فردی را به عنوان رئیس شرکت به استخدام درآورده بود تا امور شرکت را اداره کند و پس از شش ماه با گروه ساختاری شرکت خود بازگشته بود. گروه او در عرض یک سال خط لوله کشی ضدزنگ پرحجمی را که به رودخانه دهکده متصل می‌شد، ساختند.

در جشن بزرگ افتتاحیه، بیل اعلام کرد آبی که به وسیله لوله کشی به دهکده می‌رسد، بهداشتی‌تر از آبی است که‌اد با سطلها می‌آورد. بیل مدعی شده بود آبی که‌اد به دهکده می‌آورد آلوده است. در ضمن، او اعلام کرده بود که دهکده می‌تواند ۲۴ ساعت در شبانه‌روز و هفت روز در هفته را آب داشته باشد.‌اد فقط می‌توانست شش روز هفته را آب بیاورد. او در روزهای تعطیلی کار نمی‌کرد. سپس بیل اعلام کرد که او ۷۵٪ بیشتر از‌اد می‌تواند با کیفیت بالایی آب بهداشتی به دهکده برساند. اهالی دهکده فریاد تشویق سردادند و سرانجام به آب لوله‌کشی روی آوردند.‌اد، برای رقابت، ناگهان نرخ خود را ۷۵٪ پایین

آورد و دو سطل دیگر نیز خرید. او بر روی سطلهایش روکش کشید و هر چهار تا را با هم حمل کرد. او، برای خدمات‌رسانی بهتر، دو پسرش را نیز استخدام کرد تا در نوبت شب و آخر هفته به او کمک کنند. زمانی که پسرانش به کالج می‌رفتند به آنان گفت: «برای برگشتن عجله کنید، چون این کار، روزی کسب و کار شما خواهد شد.» بنا به دلیلی، پسران او پس از پایان کالج هرگز به دهکده برنگشتند. سرانجام اد کارگرانی استخدام کرد و با مشکلات اتحادیه کارگران روبه‌رو شد. اتحادیه خواستار حقوق بالاتر، منافع بهتر و حمل یک سطل در هر مسافت بود. از سوی دیگر، بیل تشخیص داد که این دهکده بیشتر از دیگر دهکده‌ها به آب نیاز دارد. بنابراین نقشه کسب و کار دیگری را طراحی کرد و به فروش آب بهداشتی با روش سرعت بالا، حجم بیشتر و قیمت پایین به دهکده‌های همه دنیا پرداخت. او برای هر سطل آبی که تحویل می‌داد فقط یک پنی به دست می‌آورد؛ ولی روزانه میلیاردها سطل آب تحویل می‌داد.

بدون توجه به اینکه اگر او کار بکند یا نه، میلیاردها نفر، میلیاردها سطل آب را مصرف و یا تلف می‌کردند و تمام آن پولها به حساب بانکی او واریز می‌شد! در ضمن، او یک لوله‌کشی از پول به حساب خودش کشیده بود!

بیل شادتر از سابق زندگی می‌کرد و اد سخت‌تر از همیشه بقیه عمرش را می‌گذرانند و تا پایان عمر مشکلات مالی داشت!

داستان اد و بیل راهنمای من در سالهای زندگی‌ام شد. این داستان مرا یاری کرده است تا در مورد تصمیم‌گیری خود فرآیندی را طرح کنم. اغلب از خودم می‌پرسم:

«آیا دارم لوله کشی می‌کنم یا به زحمت سطلها را حمل می‌کنم؟»

«آیا به سختی یا هوشمندانه کار می‌کنم؟»

و پاسخ این پرسشها مرا از نظر مالی مستقل می‌سازد.

و همه این کتاب در ارتباط با این مسائل است که چه چیزی موجب می‌شود در گروه کارفرما (B) بمانیم و یا سرمایه‌گذار (E) باشیم و یا سرمایه‌دار (I). این کتاب برای کسانی که از حمل سطلها خسته شده و آماده‌اند که لوله کشی کنند تا پول به جیبهایشان سرازیر شود نه به خارج از آن، مفید است.

این کتاب به سه قسمت تقسیم شده است

قسمت اول: اولین بخش این کتاب در مورد هسته اختلافات میان آدمهای این چهار ربع دایره است و اینکه چرا بعضی از آدمها جذب بعضی بخشها می‌شوند و اغلب، بی‌آنکه تشخیص بدهند، در آنجا گیر می‌کنند. این کتاب به شما کمک خواهد کرد تا بدانید که امروز در کجای این ربع دایره ایستاده‌اید و پنج سال بعد به کجا خواهید رفت.

قسمت دوم: بخش دوم این کتاب در مورد تغییر شخصی آدمهاست و بیشتر درباره این مسئله است که شما چه کسی هستید تا اینکه بگوید چه کاری بایستی انجام دهید.

قسمت سوم: بخش سوم این کتاب هفت گام مؤثری را مشخص و تعریف می‌کند که با برداشتن این گامها در مسیر زندگی‌تان، به بخش راست این ربع دایره هدایت شوید. من مسائلی سری از توصیه‌های پدر پولدارم را در مورد ملحق شدن و موفق بودن در بخش B و I را با شما در میان خواهم گذاشت. این امر به شما کمک خواهد کرد تا مسیر

شخصی خودتان را در زندگی انتخاب کنید و به‌رهایی از مشکلات و آزادی امور مالی برسید.

در سراسر ربع دایره گردش وجوه نقدی من به تأکید خودم راجع به اهمیت هوش مالی ادامه می‌دهم. اگر می‌خواهید در سمت راست این ربع دایره به نتیجه برسید و شخص تاجر و سرمایه‌گذاری باشید، لازم است که باهوش‌تر از کارمند یا کارفرما باشید.

برای تاجر یا سرمایه‌گذار بودن، بایستی مسیر گردش وجوه نقدی خود را بتوانید هدایت کنید.

این کتاب برای کسانی نوشته شده است که آماده‌اند تا از شغل‌های به اصطلاح تضمین‌شده خود دست بردارند و به بنا کردن لوله‌کشی برای خودشان در جهت دستیابی به استقلال مالی بپردازند (رهایی از مشکلات مالی).

ما در طلیعه عصر اطلاعات هستیم و این عصر فرصت‌هایی بیش از پیش در اختیار ما خواهد گذاشت تا به پاداش مالی برسیم. افرادی با مهارت‌های گروه B و I وجود خواهند داشت که خواهند توانست موقعیت‌های خود را شناسایی کنند و آنها را غنیمت بشمارند. برای موفق بودن در عصر اطلاعات، شخص نیاز خواهد داشت تا از چهار گروه موجود در ربع دایره (I, B, S, E) اطلاعات بیشتری داشته باشد. متأسفانه مدارس و دانشگاه‌های ما هنوز در عصر صنعتی به سر می‌برند و دانشجویان را صرفاً برای حضور در سمت چپ این ربع دایره آماده می‌سازند.

اگر شما به دنبال پاسخ‌های تازه‌ای برای حرکت به سوی عصر اطلاعات هستید، پس این کتاب ویژه شما نوشته شده است. البته شامل

همه پاسخها نیست؛ اما بینشها و رهنمودهای ژرفی را که من کسب کرده و از بخش E و S به سمت و سوی B و I در جریان نقدی رفته‌ام، با شما در میان خواهد گذاشت. اگر آماده‌ی آغاز سفرتان هستید یا از قبل در جهت استقلال مالی خود به راه افتاده‌اید، این کتاب برای شما نوشته شده است.

از شما برای خواندن این کتاب تشکر می‌کنم.